

عنوان مقاله:

تبیین مرزشکنی در داستان های نوین فارسی

محل انتشار:

دوفصلنامه زبان شناخت، دوره 4، شماره 7 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسنده:

حسین صافی پیرلوجه - استادیار گروه زبان شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی

خلاصه مقاله:

مفهوم «مرزشکنی روایی» را نخستین بار ژرار ژنت (۱۹۷۲) در این دو وجه لاینفک معرفی کرده است: وجهی مبتنی بر «صورت» پاره روایت های مرزشکن و مشخصا ممیزه های کلامی داستان از فراداستان و فروداستان؛ و وجه دیگر مبتنی بر «کارکرد» دوگانه پاره روایت های مرزشکن در پرداخت داستان از راه داستان پریشی. با این که سال ها از معرفی مهم ترین مولفه های مفهوم «مرزشکنی» در دیدگاه های نوآورانه ژنت می گذرد، ولی این مفهوم، همچون دیگر مفاهیم بنیادین روایت شناسی، تا به حال توجه چندانی را در نقد روایت های فارسی به خود جلب نکرده است. فارسی که سهل است، حتی از تشخیص اهمیت مرزشکنی و بررسی دقیق کارکردهای روزافزون آن، در چهارچوب مطالعات جهانی روایت، هم دیری نمی گذرد. در این مدت، معدود روایت پژوهانی که درباره مرزشکنی نظر داده اند یا این مفهوم را تنها از سویه بلاغی اش دیده اند یا فقط با نگاهی هستی شناسانه در آن نظر کرده اند. در مقاله حاضر، نگارنده بر آن بوده است تا ابتدا کارکردهای صنعت مرزشکنی را به کمک پاره ای از برجسته ترین نمونه های آن در داستان های نوین فارسی دسته بندی کند و سپس با استناد به درهم تنیدگی این کارکردها نشان دهد که، به خلاف دیدگاه روایت پژوهان، مرزشکنی، از یک سو، در هر صورتی از گفتمان دارای کارکردی هستی شناختی است و، از سوی دیگر، کارکرد مرزشکنی هرچه باشد، جز در وجهی از گفتمان شرف صدور نمی یابد.

کلمات کلیدی:

گفتمان روایی، سطوح داستانی، مرزشکنی هستی شناختی، مرزشکنی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1512253>

